

پیروزی "اصلاح طلبان" یا پیروزی اندیشه‌های اصلاح طلبانه؟

مساله این است!

چه می‌خواهید در انتخابات مجلس شرکت کنید و چه نمی‌خواهید، چه اصلاح طلب هستید و چه اصولگرا و چه هیچ‌کدام، چه برایتان اهمیت داشته باشد که چه گروه‌هایی در این انتخابات پیروز می‌شوند و چه اهمیت نداشته باشد، پیشنهاد می‌کنم قدری با تامل به این پرسش جواب بدهید:

فکر می‌کنید در انتخابات مجلس آینده، رقابت اصلی و تمرکز شعارهای انتخاباتی، بر چه محورهایی متمرکز باشد؟

گزینه‌های پیشنهادی:

- ۱) میزان مرزبندی گروه‌های سیاسی با جریان انحرافی؟
- ۲) میزان تبعیت کاندیداهای مختلف از قانون اساسی و ولایت فقیه؟
- ۳) میزان طرح شعارهای تند و محکم در مواجهه با آمریکا و اروپا؟
- ۴) دفاع یا مخالفت با اختصاص تمامی یارانه نقدی به سرپرست خانوار و محروم شدن زنان از دریافت یارانه نقدی؟
- ۵) ارائه طرح‌هایی به منظور کاهش مهاجرت گسترده سرمایه‌گذاران ایرانی به امارات و ترکیه؟
- ۶) میزان پوشش و سطح مبالغ بیمه بازنشستگی و بیمه درمانی؟

۷) ایجاد یک نظام جامع بیمه بیکاری در سطح کشور؟

۸) اصلاح قانون مصوب مجلس در مورد بیمه بیکاری، به نحوی که زنان نیز بتوانند تحت شرایطی برابر با مردان، بیمه بیکاری دریافت کنند؟

۹) ارائه یک وعده غذای رایگان در مدارس استان‌های محروم کشور؟

۱۰) تلاش برای رساندن قیمت و کیفیت اینترنت در ایران، به میانگین کشورهای آسیایی؟

۱۱) اعطای مجوز برای فعالیت شبکه‌های تلویزیونی خصوصی؟

۱۲) حق برابر دختران و پسران برای ورود به دانشگاه؟

۱۳) دفاع یا مخالف با جزئیات فعلی طرح جمع‌آوری ماهواره‌ها؟

۱۴) اصلاح قوانین مربوط به حقوق زنان در حوزه ازدواج و نیز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی؟

۱۵) دفاع یا مخالفت گروه‌های سیاسی با طرح «گشت ارشاد»؟

به نظر می‌رسد که فرآیند توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اکثریت قاطع کشورهای جهان سوم، بیش از آنکه به افراد برنده در انتخابات وابسته باشد، به محوریت شعارهای طرح شده در رقابت‌های انتخاباتی وابسته است. برای توضیح بهتر، یک گروه سیاسی (مانند حامیان آقای قالیباف) را در نظر بگیرید که اتفاقاً قابل انتظار است به موضع‌گیری انتخاباتی ذیل هر یک از شعارهای فوق بپردازند. حالا بیایید سه حالت را در نظر بگیریم:

حالت اول: حامیان آقای قالیباف در انتخاباتی با محوریت شعارهای یک تا سه شرکت کرده و پیروز شوند؛ حالت دوم: همین گروه سیاسی در انتخاباتی با محوریت شعارهای ۴ تا ۹ شرکت کرده و پیروز شوند. حالت سوم: همین گروه در انتخاباتی با محوریت شعارهای ۱۰ تا ۱۵ شرکت کرده و پیروز شوند.

به نظر شما، نحوه عملکرد این گروه پس از پیروزی در انتخابات، در سه حالت فوق یکسان خواهد بود؟

به احتمال فراوان، پاسخ شما به این پرسش، "منفی" خواهد بود. حالا یک فرض دیگر را هم اضافه کنید و فرض کنید که گروه فوق در یک رقابت انتخاباتی تنگاتنگ و با اختلاف ناچیزی در انتخابات پیروز شده باشد و در نتیجه خطر شکست در انتخابات بعد را مرتبا پیش روی خود ببیند. احتمالا پاسخ "منفی" شما شدت بیشتری خواهد داشت.

اجازه بدهید باز هم به گزینه‌های طرح‌شده به عنوان شعارهای انتخاباتی بالقوه بازگردیم: با توجه به فضای انتخاباتی فعلی، به احتمال فراوان گزینه‌های یک تا سه، بیشترین بخت را برای تمرکز شعارهای انتخاباتی در انتخابات پیش‌رو خواهند داشت (مشابه انتخابات‌های دهه ۶۰ و نیمه اول دهه ۷۰)، در حالیکه شکی نیست که این موضوعات، دغدغه بخش کوچکی از شهروندان ایرانی را تشکیل می‌دهند.

گزینه‌های ۴ تا ۹، گزینه‌هایی هستند که با توجه به سطح توسعه موجود در ایران و با فرض آنکه بهره‌مندی از حداقلی از معیشت را پیش‌نیاز توسعه اجتماعی و سیاسی بدانیم، کلیدی‌ترین گزینه‌هایی هستند که لازم است در انتخابات مورد طرح قرار بگیرند. این گزینه‌ها با زندگی روزمره اکثریت قابل توجه رای‌دهندگان ایرانی سر و کار دارند و اگر حال و هوای انتخاباتی فعلی مشابه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ بود، بخت فراوانی برای طرح در انتخابات داشتند. اما به نظر می‌رسد شانس کمی برای طرح در انتخابات پیش‌رو خواهند داشت.

برای مثال گزینه شماره ۹ که ممکن است جزو دور از ذهن ترین شعارهای انتخاباتی از نظر خوانندگان این متن باشد، زمانی اهمیت پیدا می کند که توجه کنیم هم اکنون در استان های محروم کشور، نزدیک به ۲۵ درصد از کودکان و نوجوانان بین ۶ تا ۱۸ سال، به مدرسه نمی روند (میانگین این رقم در سطح کشور ۱۵ درصد است). با چنین سطحی از بی سواد و کم سواد، چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم حتی در صورت شکل گیری ایده-آل ترین اصلاحات قانونی، توسعه اجتماعی و سیاسی در سراسر کشور حاکم شود؟

طرح شعارهایی در زمینه گزینه های ۱۰ تا ۱۵ نیز در انتخابات مجلس امسال، با توجه به چشم انداز موجود، بسیار نامحتمل خواهد بود. با این وجود، بدون تردید می توان شرایطی را تصور کرد که بخشی از گروه های سیاسی که مجاز به شرکت در انتخابات هستند و در انتخابات مجلس امسال نیز شرکت خواهند نمود، به صورت بالقوه می توانند چنین شعارهایی را طرح کنند.

اما طرح چنین شعارهایی از سوی گروه های مذکور، طبیعتاً مستلزم آن است که احساس کنند چنین مباحثی جزو مباحث مهم در فضای افکار عمومی جامعه به حساب می آیند. درست همان شرایطی که باعث شد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ نیز، بخشی از کاندیداهایی که چه بسا هیچ اعتقادی به شعارهایی از این دست نداشتند، شعارهای مشابهی را به عنوان بخشی از برنامه تبلیغات انتخاباتی خود مطرح کنند.

نویسنده مهمان: میثم هاشم خانی

m.hashemkhany@gmail.com